

سید مرتضی مشیر

وکیل پایه یک دادگستری

اعاده حیثیت

در کلیه کشورهای مرقی که دارای قوانین مدون جزائی هستند برای محکومین پس از انقضاء مدت معینی مقرراتی پیش بینی شده که بموجب آن میتوانند بدرك اعاده حیثیت نائل گردند.

در قانون مجازات عمومی ایران نیز ضمن مواد ۵۶ تا ۵۹ در مبحث اعاده حیثیت مقررات زیر بتصویب رسیده است .

الف- باستناد ماده ۵۶ کسانی که بموجب حکم قطعی بجنایات یا جنحه‌هاییکه زائد بر دوام حبس تادیبی میباشد محکوم میگرددند باید محکومیتشان در سجل کیفری ثبت شود .

ب- بر طبق ماده ۵۷ کلیه کسانی که بمجازات حبس تادیبی محکوم میشوند چنانچه تا ۵ سال از تاریخ اتمام مجازات محکومیت جزائی جدیدی پیدا ننمایند بانانده حیثیت نائل شده و محکومیت گذشته آنها از سجل کیفریشای حذف خواهد شد .

ج- بموجب ماده ۵۸ اشخاصیکه بمجازات جنائی محکوم میشوند هر گاه تامدت ده سال از تاریخ خاتمه مجازات بمحکومیت جزائی جدیدی اعم از جنحه یا جنایت محکوم نشوند اعاده حیثیت شامل حال آنان خواهد شد .

د- بر طبق ماده ۵۹- در مورد جرائم جنائی سیاسی همینکه ۵ سال از خاتمه مجازات سپری شد در صورت عدم ارتکاب محکوم بجرم مجدد اعاده حیثیت حاصل میگردد و برآی جرائم از درجه جنحه مدت اعاده حیثیت یکسال پس از پایان مجازات خواهد بود .

اقسام اعاده حیثیت

معمولا اعاده حیثیت بدو طریق تحصیل میشود:

Rehabilitation De droit

اول اعاده حیثیت قانونی

Rehabilitation Judiciaire

دوم اعاده حیثیت قضائی

در اعاده حیثیت قانونی پس از گذشتن مدتهای مقرر در قانون خود بخود و قهراً اعاده حیثیت حاصل میشود در صورتیکه در مورد اعاده حیثیت قضائی باید بمراجع قانونی مراجعه و درخواست صدور حکم نمود .

قانون مجازات عمومی ایران شق اول را انتخاب و با حصول شرائط قانونی قهراً شخص محکوم باعاده حیثیت نائل میشود .

در این مورد حکم ۱۲۵۱ و ۹۵۳۸ مورخ ۳۱ مردادماه ۱۳۱۶ از دیوانعالی کشور بشرح زیر صادر شده است. «تقاضای اعاده حیثیت امری نیست که بر حسب قواعد عمومی مانند دعاوی قابل طرح در محاکم باشد و در قوانین موجوده هم حکم خاص و مرجعی برای رسیدگی باین تقاضا معین نشده و طبق مستفاد از ماده ۵۷ قانون مجازات عمومی در صورت وجود شروط مقرر در آن ماده اعاده حیثیت از امور نیست که بخودی خود وبدون احتیاج به حکم محکمه حاصل میشود و محو کردن آثار محکومیت هم از سجل جزائی ظاهراً امر ادارست نه قضائی و موقوف بصدور حکم از محکمه نمیباشد.»

با توضیح مراتب مذکور مسلم میشود که برای نیل باعاده حیثیت دو شرط لازم است .

اول- انقضا مدت مقرر در قانون پس از اتمام مجازات.

دوم- عدم محکومیت کیفری در مهلتهای پیش بینی شده.

مطلبی که ممکن است در عمل پیش آید اینست که اگر کسی بحکم قطعی محکوم شود بر اثر عدم دسترسی بوی حکم اجرا نگردد و موضوع مشمول مرور زمان بشود و یا قسمتی از مجازات محکوم مورد عفو قرار گیرد آیا اعاده حیثیت از چه تاریخ حاصل خواهد شد؟

در این خصوص باید توضیح داده شود :

اولا اگر کسی بحکم قطعی محکوم شود و حکم نسبت بوی اجرا نگردد بر طبق ماده

۵۲ قانون مجازات عمومی با وی بشرح زیر رفتار خواهد شد.

۱- در مورد خلاف پس از دو سال

۲- در مورد جنحه پس از ۵ سال

۳- در مورد جنایت پس از ۱۵ سال

که از صدور حکم بگذرد دیگر حکم صادره بلا اثر خواهد بود لکن نتایج حاصله محرومیت از حقوق اجتماعی بقوت خود باقی است و شخص محکوم باید پس از انقضاء مدتهای مذکور و سپری شدن مهلتهای مندرج در مواد ۵۷ و ۵۸ قانون مجازات عمومی عواقب جرم ارتكابی را متحمل شود تا بتواند باعاده حیثیت نائل گردد. فی المثل کسیکه بجرم کلاهبرداری به ۶ ماه حبس تأدیبی محکوم شده است و حکم قطعی بعدت عدم دسترسی در باره وی اجرا نگردیده از تاریخ محکومیت قطعی تا ده سال نمیتواند باعاده حیثیت نائل آید و پس از انقضاء

مهلت‌های قانونی نیل باین مقصود عملی خواهد بود. همچنین اگر کسی بر اثر ارتکاب بجنایت مثلاً به سه سال حبس با اعمال شاقه محکوم شود و اجرای حکم قطعی معلق بماند چنین فردی می‌تواند پس از گذشتن مدت ۲۵ سال تمام از تاریخ صدور حکم محکومیت باعاده حیثیت نائل شود. در اینخصوص اشکال قابل تصور اینست که اگر کسی محکوم بجنحه و یا جنایت شود و پس از مهلت مقرر قانوناً اجرای حکم نسبت باو بلا اثر و معلق گردد، آیا چنانچه همین شخص بعد از مدت چهار سال دیگر در مورد محکومیت بجنحه و یا پس از گذشتن ۱۴ سال دیگر در مورد محکومیت بجنایت مرتکب جرم مجددی بشود اعاده حیثیت وی از چه تاریخی حاصل خواهد شد؟

ظاهراً با استنباط از مواد ۵۸ و ۵۷ قانون مجازات عمومی باید گفته شود نیل باعاده حیثیت چنین شخصی موکول باین خواهد بود که پس از قطعی شدن حکم و اتمام مجازات اخیر در مهلت‌های پیش بینی شده مرتکب جرم دیگری نشود ولی از طرفی با توجه بقسمت اخیر ماده ۵۲ همان قانون که مقرر میدارد با گذشتن مدت ۵ و یا ۱۵ سال از تاریخ بلا اثر ماندن حکم محکومیت قطعی محرومیت از حقوق اجتماعی بقوت خود باقی است معلوم نیست که آیا در اینمورد احکام تکرار جرم با استناد بند اول و دوم ماده ۲۴ قانون مجازات عمومی بلا اثر خواهد بود یا با استناد اینکه محرومیت از حقوق اجتماعی باقی است و آثار تبعی جرم از سجل کیفری محو نگردیده مقررات مزبور قابل اعمال است؟

در اینمورد قانون ساکت است و قابل تعبیر بهر یک از دوشق یاد شده میباشد مگر اینکه هیئت عمومی دیوان عالی کشور در آئینده نسبت بچنین مسئله‌ای اظهار نظر نماید.

ثانیاً - محکومی که بر اثر عفو عمومی یا خصوصی قسمتی از مجازات او بخشیده میشود از تاریخ اتمام باقیمانده مجازات میتواند از مقررات مواد ۵۷ و ۵۸ مارالذکر برخوردار گردد بدیهی است در صورتیکه تمام مدت محکومیت محکوم با استناد ماده ۵۴ یا ماده ۵۵ قانون مجازات عمومی مورد عفو قرار گیرد بلحاظ اینکه جرم انتسابی بخشوده شده است دارای هیچگونه آثار کیفری نبوده و نیازی بتحصیل اعاده حیثیت قانونی یا قضائی نخواهد بود.

نکته قابل ذکر این میباشد که اگر محکومی بر اثر اعمال عفو مجازات او که از درجه جنایت است بجنحه تبدیل گردد. (مثلاً محکومیت بحبس با اعمال شاقه و یا محکومیت بحبس مجرد بر اثر یکدرجه تخفیف بحبس تأدیبی مبدل شود). در اینصورت اعاده حیثیت محکوم پس از چند سال حاصل خواهد شد و آیا مهلت مقرر ده سال خواهد بود یا ۵ سال؟

جناب آقای دکتر محمد علی هدایتی استاد محترم و رئیس دانشکده حقوق در چاپ سوم کتاب آئین داد رسی کیفری چنین اظهار عقیده نموده اند که:

اولاً- و چون عفو مانع اجرای مجازات میشود بنابراین شامل مجازاتهای تبعی که از خود حکم نماند میگردند نمیشود و مجازاتهای اخیر فقط بعد از اعاده حیثیت زائل می شوند.

ثانیاً- و عفو ممکن است مانع اجرای تمام یا قسمتی از مجازات شود ولی ممکن نیست نوع مجازات را تغییر دهد و مجازات تخفیف یافته باید منحصرأ از نوع مجازاتی باشد که در حکم قید گردیده است فقط در مورد اعدام چون عملاً تخفیف دیگری غیر از تغییر نوع آن متصور نیست لذا قانون اجازه داده است که مجازات مزبور بموجب عفو بحبس با اعمال شاقه تبدیل گردد.

استنباط نگارنده برخلاف این نظریه است چه :

اولاً- چنانچه مجازات محکومی کلامورد عفو قرار گیرد بهیچوجه دارای آثار کیفری و مجازاتهای تبعی نخواهد بود زیرا منطقی بنظر نمیرسد که اصل مطلبی بر طرف گردد ولی فرع آن باقی بماند بنابراین با قبول چنین نظریه ای اساساً مسئله تحصیل اعاده حیثیت بجهت عدم اجرای مجازات منتفی شده تلقی میگردد و دارای هیچگونه آثاری نخواهد بود کما اینکه مرحوم دکتر حسن سمیعی در کتاب حقوق جزای خود همین عقیده را ابراز داشته است.

ثانیاً- اگر بر اثر اعمال عفو مجازات محکوم یکدرجه تخفیف داده شود و در نتیجه حبس جنائی بحبس تأدیبی تبدیل شود عادلانه بنظر میرسد که باید مدت اعاده حیثیت را بحساب جنحه منظور نمود نه جنایت زیرا :

۱- باستناد بند - ج - از ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی راجع بجزایهای تبعی که مقرر است هر کس بموجب حکم قطعی محکوم شود و مجازات جنایت او با رعایت کیفیات مخففه بحبس تأدیبی تبدیل گردد در مدت ۵ سال از حق استخدام دولتی و مملکتی محروم خواهد بود، معلوم میشود که چنین فردی بعد از ۵ سال با اعاده حیثیت نائل خواهد شد در غیر اینصورت صحیح بنظر نمیرسد که محکمه عالی جنائی بتواند با اعمال تخفیف درجه و آثار جنایت را بجنحه تبدیل سازد ولی رئیس مملکت که عالیترین مقام شامخ کشور است و یا مجلسین سنا و شورای ملی که واضع قانونند قادر نباشند با اعطاء عفو و تخفیف مجازات محکومین و آثار تبعی جرم را تقلیل دهند .

ممکن است گفته شود ماهیت عفو با تخفیف منایرت دارد. در جواب این استدلال غیر منطقی باید متذکر شد که اجلی درجه تخفیف عفو میباشد مضافاً باینکه بالصراحه در قسمت اخیر ماده ۵۵ قانون مجازات عمومی از تخفیف نام برده شده است .

۲- در بند ۳ و ۴ ماده ۵۴ قانون مجازات عمومی تصریح شده است :

الف - حبس موقت با اعمال شاقه با اعطاء یکدرجه تخفیف بحبس مجرد یا حبس تادیبی که ازدو سال کمتر نباشد تبدیل میشود .

ب - حبس مجرد با اعطاء یکدرجه تخفیف بحبس تادیبی که کمتر از شش ماه نباشد مبدل میگردد .

بدین ترتیب تردیدی باقی نمیماند که چنانچه محکومی باستناد مواد ۵۴ و ۵۵ قانون مجازات عمومی مشمول یکدرجه تخفیف بشود درمورد حبس مجرد قطعا مجازاتش بحبس تادیبی تبدیل میشود و در مورد حبس با اعمال شاقه نیز امکان تبدیل آن بمجازات تادیبی وجود دارد و با این مقدمه مدت لازم برای اعاده حیثیت چنین محکومی ۵ سال پس از اتمام مجازات خواهد بود لکن اگر شخصی مثلا به ۸ سال حبس با اعمال شاقه و یا به ۴ سال حبس مجرد محکوم بشود و باستناد قسمت اخیر ماده ۵۵ قانون مجازات عمومی یک ربع از مجازاتش بخشوده شود .

چون در ماهیت جرم تغییری حاصل نشده باید مدت اعاده حیثیت شخص مذکور را ده سال بعد از خاتمه مجازات احتساب نمود .

بمنوان توضیح یادآور میشود که یک مورد دیگر ممکن است پیش آید که خالی از اشکال نباشد و آن اینست که اگر فرضا شخصی به دو سال حبس مجرد محکوم گردد و بعد بجای اعطای یکدرجه تخفیف تا میزان یک ربع از مجازاتش بخشوده شود در این صورت ماهیت جرم پس از اجرای عفوچه خواهد بود ؟

اگر گفته شود ماهیت جرم جنائی است و فقط از لحاظ ارفاق بمحکوم قسمتی از مجازاتش عفو شده و عنوان محکومیت تغییر نیافته است باید در جواب استدلال مذکور یادآور شد که با توجه بماده ۱۲ قانون مجازات عمومی که مقرر میدارد مدت حبس مجرد کمتر از دو سال نمیباشد، لذا در اینجا درجه کیفر محکوم قهرا بحبس تادیبی تبدیل شده زیرا یکسال و نیم حبس مجرد معنی و مفهومی ندارد و از طرفی اگر محکمه ای میخواست در مورد متهمی که درجه جرمش حبس مجرد است رعایت تخفیف بنماید بدون هیچ اشکالی بجای دو سال حبس مجرد با اعمال تخفیف بحبس تادیبی تبدیل میساخت و در این موضوع چنانچه معتقد باشیم که اختیار قانونی رئیس مملکت و یا مقننین کمتر از محاکم جنائی نمیباشد و ماهیت عفو را در هر حال بالاتراز مرحله تخفیف بدانیم بنا بر این عدالت اقتضا مینماید که در مسئله مانحن فیه مدت اعاده حیثیت محکوم را بجای ۱۰ سال ۵ سال بعد از خاتمه مدت مجازات منظور داریم .

آثار اعاده حیثیت

بعد از انقضاء مهلت مقرر در قانون که محکوم باعاده حیثیت نائل میگردد آثار زیر مترتب است :

- ۱- سابقه کیفری از سجل جزائی محکوم محو و حذف میشود.
 - ۲- در صورت ارتکاب جرم مجدد احکام تکرار جرم ساری و جاری نخواهد بود.
 - ۳- محکوم سابق میتواند از موارد تعلیق مجازات که بموجب ماده ۴۷ قانون مجازات عمومی پیش بینی شده برخوردار گردد.
 - ۴- کلیه آثار تبعی و تکمیلی جرم که بموجب ماده ۵۱ و بندهای ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی درباره محکوم مقرر گردیده بر طرف میشود.
- دیوان عالی کشور در خصوص اعاده حیثیت بموجب حکم شماره ۱۶۴۸ مورخ ۱۷ مهر ۱۳۱۸ چنین اظهار عقیده نموده است: «اعاده حیثیت مستلزم عودت تمام شئون و وضع سابق محکوم است»
- با تمام این تفصیل يك استثناء بر اصل کلی وجود دارد که ظالمانه بنظر میرسد و آن اینست که اگر کارمندان دولت با اتهام اختلاس و یا تعدیس در انجام معاملات دولتی و یا بعضی از جرائم دیگر محکومیت حاصل نمایند برای ابد از خدمت دولت منفصل خواهند شد و پس از تحصیل اعاده حیثیت هم نمیتوانند بطور کامل از مزایای آن برخوردار شوند و همین اشکال موجود است وقتی که کسی در دادگاههای اداری باشد مجازات محکوم گردد.
- ظاهراً این استثناء با معنی و مفهوم اعاده حیثیت مباینت دارد و اصولی بنظر میرسد که از طرف مقننین ما در این مورد تجدید نظر بعمل آید. زیرا سابقاً دیده شده کسانی که در دیوان کیفر محکومیت حاصل نموده و علاوه بر اجرای مجازات با انفصال ابد از خدمات دولتی نیز محکوم شده اند توانسته اند بمقام نمایندگی مجلس شورای ملی نائل گردند ولی فی المثل همان اشخاص از احراز مقامات دولتی محروم بوده اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی